

جنایت جنگی هتك کرامت انسان و رفتار موهن نسبت به اسرای دفاع مقدس

| فریدون جعفری * | استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه بولی سینما، همدان، ایران

| علی محبی | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی
(واحد تهران مرکزی)، تهران، ایران

چکیده

در این مقاله سعی شده است یکی از مصادیق جنایات جنگی که عبارت از هتك کرامت انسان بهویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز است، تبیین گردد. جنایت مذکور در جزء ۲۱ قسمت ب بند ۲ ماده هشت اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل پیش‌بینی شده است. هرچند جنایات جنگی ارتکاب یافته در کمپ ۹ عراق فقط به این جنایت منحصر نمی‌شود، لکن جنایت هتك حرمت انسان بهویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز به طور خاص مورد بررسی قرار گرفته است. از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه اسرای جنگی از حقوق خاصی برخودارند. از جمله حقوق آنان طبق کنوانسیون سوم ژنو حق بر دسترسی به امکانات بهداشتی است. عدم تأمین عمدى امکانات بهداشتی برای اسرای جنگی ممکن است موجب بروز بیماری در اسرا گردد و رفتاری توهین‌آمیز و تحقیرکننده محسوب شود. رویه قضائی مراجع بین‌المللی حقوق بشر همچون دیوان اروپایی حقوق بشر، دادگاه آمریکایی حقوق بشر نشان می‌دهد، عدم تأمین حداقل شرایط مساعد در اردوگاه‌های اسرا یا زندانیان بازداشت شده از جمله مصادیق رفتار غیرانسانی و تحقیرکننده و توهین‌آمیز است. آنچه در طی جنگ تحملی عراق علیه ایران در کمپ ۹ اسرای ایرانی در بند عراق اتفاق افتاد، مصدقان بارز نقض مقررات کنوانسیون سوم ژنو و اساسنامه دیوان کیفری است. عدم تأمین امکانات بهداشتی برای اسرای ایرانی و توهین و تحقیر

آنان و شرایط نامساعد اردوگاه عراق به مدت زمان طولانی و در گسترهای وسیع (۱۲۰۰ اسیر) مسئولیت عراق را به سبب ارتکاب این جنایت جنگی در پی داشته است.

واژگان کلیدی: کمپ نهم عراق، جنایت جنگی، رفتار توهین‌آمیز و تحقیرکننده، کنوانسیون سوم ژنو، اساسنامه رم

مقدمه

جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به گونه‌ای بیان شده است که برخی از مصاديق آن چندان روشن نیست. به عنوان مثال اینجانب یکی از اسرای جنگی بودم که به مدت چهار سال و نیم در کمپ ۹ عراق در شرایطی به سر بردهام که آسایشگاه‌ها فاقد سرویس بهداشتی بوده‌اند. با این بیان که ساعت ۷ غروب تا ۷ صبح که درب آسایشگاه بسته می‌شد، اسیران به توالی دسترسی نداشته و بدین لحظه درد و رنج زیادی را متحمل می‌شوند. آثار و عواقب ناشی از نبود سرویس بهداشتی، موجبات تحقیر و وهن اسرا را فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد این مورد را می‌توان جنایت جنگی به حساب آورد. لکن اساسنامه دیوان در این خصوص صراحتی ندارد. اهمیت موضوع از این لحاظ است که بدانیم آیا می‌توان آثار ناشی از فقدان سرویس بهداشتی در آسایشگاه‌های اردوگاه ۹ را به عنوان جنایت جنگی محسوب کرد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد، لازم است در بازنگری ای که احتمالاً در آینده درخصوص تبیین مصاديق جنایات جنگی، صورت می‌گیرد، این مورد و موارد مشابه به طور صریح پیش‌بینی شوند. به ویژه اینکه در مدت چهار و نیم سال که حدوداً ۱۲۰۰ نفر در شرایط بسیار سخت موصوف زندگی می‌کردند، مأمورین صلیب سرخ جهانی مکرراً از کمپ ۹ و آسایشگاه‌های آن بازدید به عمل آورده، لکن متأسفانه کوچک‌ترین اقدام مؤثری در رفع این مشکل اساسی به عمل نیاورده‌ند. لذا اگر جنایات جنگی باوضوح بیشتر و بدون هیچ گونه ابهامی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شود، هم دولت اسیرگیرنده وظیفه خود را می‌داند که شرایط استاندارد محل نگهداری اسیر جنگی را فراهم آورد و هم نهادهایی مانند صلیب سرخ جهانی به آسانی تخلف کشور اسیرگیرنده را هم به دولت مذبور گوشزد می‌نماید و هم گزارش نقض حقوق اسرا جنگی و تحقیق جنایت جنگی را به نهاد مربوطه گزارش می‌کند.

۱. وقایع قضیه

کمپ ۹ متشکل از سه قسمت بود. با جمعیت حدوداً ۱۲۰۰ نفر برای هر قسمت که دارای ۴۰۰ اسیر بود. هیچ دستشوابی‌ای در داخل آسایشگاه ساخته نشده بود، بلکه صرفاً در بیرون از آسایشگاه‌های هشت‌گانه، ده عدد دستشوابی در محوطه ساخته شده بود که اغلب یکی دو تای آن، به دلیل گرفتگی قابل استفاده نبود. از ساعت هفت غروب تا هفت صبح که درب آسایشگاه قفل می‌شد، هیچکس حق

مدفعه کردن نداشت بلکه تنها امکان ادرار کردن وجود داشت، آن هم در پشت پتویی که در گوشة هر آسایشگاه نصب شده و یک سطل بزرگی برای اینکار در نظر گرفته شده بود. یکی از شکنجه های جسمی و روحی که اسرا در طول اسارت تحمل کرده و از این بابت قطعاً دچار عوارض و بیماری شده اند، عدم وجود دستشویی در داخل آسایشگاه بود. از هفت غروب تا هفت صبح دقیقاً به مدت ۱۲ ساعت، کسی حق بیرون روی نداشت، یعنی اصلاً امکان بیرون روی و مدفعه کردن وجود نداشت. آنچه برای ادرار پیش بینی شده بود، به هیچ عنوان قابل استفاده نبود، بهویژه اینکه، اینکار علاوه بر آنکه جرم و قابل مجازات محسوب می گردید، موجب آبروریزی و خفت و خواری شخص می گردید.

یکی از اموری که دائمآ ذهن اسرای ایرانی را به خود مشغول کرده بود، فقدان توالت در داخل آسایشگاه بود. بهویژه اینکه در طول ۱۲ ساعت (۷ شب تا ۷ صبح) شام هم صرف می شد و امتناع از بیرون روی، شکنجه جسمی و روحی بزرگی محسوب می شد. به مدت چهار سال و نیم اولین و مهم ترین کار هر صبح اسرای کمپ ۹ این بود که با تمام سرعت قبل از دیگران خود را به دستشویی برسانند. تصور کنید، ۴۰۰ نفر هر روز صبح با تمام سرعت به طرف توالت هجوم بیاورند. کندی و سستی در این کار باعث می شد، جزو آخرین نفراتی باشید که باید در پشت درب توالت منتظر بمانید. نسبت چهارصد نفر به ده دستشویی، چهل نفر است، یعنی هر صبح پشت درب هر دستشویی باید چهل نفر به صف می ایستادند، اما ساختمان دستشویی به هیچ وجه در یک زمان ظرفیت پذیرش این تعداد را نداشت و آسایشگاه هایی که مسافت نسبتاً طولانی داشتند هر چقدر با سرعت به طرف توالت هجوم می آوردند، باز هم نفرات آخر تلقی می شدند. به همین دلیل می بایست در محوطه اردوگاه قدم می زدند تا نوبتشان برسد، یا اینکه از نوبت دیگران استفاده می کردند. اما چون همه از وضعیت مشابهی برخوردار بودند امکان استفاده از نوبت دیگران بسیار بعید بود. نگهبانان عراقی هر روز این صحنه را مشاهده می کردند و کمترین اقدامی برای رفع این معضل صورت نمی دادند، یعنی چهار سال و شش ماه، صحنه هجوم چهارصد نفری به طرف دستشویی را دیدند ولی، آن ها کوچک ترین اقدامی برای برطرف کردن این مشکل انجام ندادند.

آثار عدم دسترسی به توالت ساعات طولانی امر بدیهی و روشن است. چه اینکه همه مردم با این مسئله درگیر می باشند. در روزهای عادی که شب ها صرفاً یک وعده غذایی داشتیم مشکل عدم دسترسی به توالت، طبق عادت قابل تحمل شده بود. اما در ماه مبارک رمضان که یک وعده غذایی، یعنی سحری، اضافه می شد، سختی و مشکل به اوچ خود می رسید. همانگونه که گفته شد از ساعت هفت غروب تا هفت صبح درب آسایشگاه قفل شده و هیچ کس، حتی مسئول درجه دار اردوگاه حق

باز کردن درب را نداشت و در موارد استثنایی که بیماری حادی رخ می‌داد، باید با دستور مستقیم فرمانده اردوگاه درب باز می‌شد.

اضافه شدن یک وعده غذایی در ماه رمضان و عدم دسترسی به دستشویی و پر شدن معده، آثار و عوارض آن مشکل را طاقت‌فرسا نموده بود. عراقی‌ها حتی در رمضان هم، حق استفاده از سرویس بهداشتی موجود در محوطه اردوگاه را از ما سلب کرده بودند. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، در یک گوشة آسایشگاه پتویی نصب شده و سطل بزرگی را برای ادرار گذاشته بودند و هیچ‌کس در سخت‌ترین شرایط حق استفاده از سطل مذکور به عنوان ظرف مدفوع نداشت، حتی در ماه رمضان که شرایط بسیار حاد می‌شد نیز استثنائی در این خصوص وجود نداشت.

علاوه بر اینکه استفاده از سطل مذکور، ممنوع و قابل توبیخ بود و هیچ‌کس از آن استفاده نمی‌کرد، زیرا موجب آبروریزی و هتک حیثیت او نیز می‌شد، چراکه جو آسایشگاه به‌ نحوی شکل گرفته بود که استفاده از سطل ادرار به عنوان توالت، امر قبیح و قابل سرزنش تلقی می‌شد. به خاطر حفظ شان و شخصیت هم که شده، هم آسایشگاهی‌ها تمام سعی و تلاش خود را به کار می‌گرفتند تا از سطل استفاده نکنند، لکن قضای حاجت امر اختیاری نیست که بشود با آن کنار آمد و در هر حال با آن مقابله و مبارزه کرد. به ناچار موقعی بروز و ظهور پیدا می‌کند که دیگر آبرو و حیثیت باید قربانی شود. سوزش ضربات شلاق و کابل، دو سه دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد و مهم‌تر اینکه آثار روحی و روانی به جای نمی‌گذارد، درحالی که در مسئله مورد بحث، علاوه بر شکنجه جسمی و بروز بیماری، عوارض روانی و هتک حیثیت و شخصیت به همراه دارد که هیچ‌گاه آثار آن از بین نمی‌رود و از دیدگاه حقوق بشر دوستانه، ابتدایی‌ترین حقوقی است که در عرف بین‌الملل و کنوانسیون سوم ژنو مورد تأکید قرار گرفته است. کسانی که در میدان نبرد و اسارتگاه‌ها حضور داشتند، باید با حفظ امانت مسائل را بدون هیچ‌گونه تغییر و تحریفی ذکر نمایند، مسلماً تاریخ ایران اسلامی در بخش جنگ و دفاع مقدس از اهمیت بسزایی برخوردار است که به عنوان یک تکلیف دینی و ملی بر کسانی که مستقیماً درگیر ماجرا بوده‌اند واجب است وظیفه خویش را در این رابطه ادا نمایند.^۱

۱. با تعداد بیش از ۵۰ نفر اسرای حاضر در کمپ ۹ در خصوص موضوع مصاحبه صورت گرفته و همگی جنایت مورد بحث را مورد تائید قرار داده‌اند.

-۱- ماشاء‌الله سعیدی -۲- حمید پناهی -۳- محمد علیزاده -۴- احمد جعفری -۵- محمود جعفری -۶- رضا عالمی -۷- اسماعیل حجتی (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۷) -۸- رضا عبداللهی -۹- ناصر زهدی -۱۰- داوود اصلانی -۱۱- عنایت آزادی -۱۲- حمید طلانی -۱۳- خیرالله طاوسی -۱۴- سید عباس خلوصی -۱۵- سید مجید -۱۶- بشیر اسماعیلی

چندین بار علی‌رغم قباحت عمل و هتك حیثیت، مشاهده شد که یکی از بچه‌ها مجبور شده است، پیش چشم همه از جایش بلند شده و با تمام سرعت به طرف گوشہ آسایشگاه یعنی پشت پتو برود و با رفع حاجت از تحمل آن شکنجه کشنه خود را خلاص کند. از این موارد در کمپ ۹ بسیار افتاده و حقوق ابتدایی اسرای ایرانی نقض گردیده است. لکن شاید برخی از اسرا بیان این مسائل را جایز یا صلاح ندانند. ولی به نظر می‌رسد واقعیت‌هایی که در دوران اسارت اتفاق افتاده است، باید در تاریخ ایران اسلامی محفوظ و مضبوط گردد. آیندگان می‌بایست از تاریخ جنگ و آثار و عوارض آن بدون کم‌وکاست اطلاع حاصل کرده و رفتار غیرانسانی عوامل رژیم بعث عراق با اسرا را مورد بحث و بررسی قرار بدهند، بهویژه اینکه این وقایع توسط کسی بازگویی می‌شود که با گوشت و پوست و استخوان لحظه‌لحظه آن حوادث را لمس و درک کرده است.

حدوداً ساعت ۲ بعد از نیمه شب به بیرون روی شدیدی مبتلا شدم، به‌طوری که حقیقتاً معنای یک شکنجه جسمی و روانی را تجربه کردم. کاملاً برای من مسلم شده بود که به هیچ عنوان نمی‌توانم تا صبح و باز شدن درب آسایشگاه صبر کنم، لذا تصمیم گرفتم در فرصت مناسب خود را از تحمل این شکنجه خلاص نمایم. اما لکه‌دار شدن حیثیت و شخصیت خودم را به‌هیچ وجه نمی‌توانستم تحمل کنم، زیرا کسانی که زندانی بوده‌اند، به‌خوبی درک می‌کنند که کلیه ۵۰ نفر حاضر در آسایشگاه دوست تلقی نمی‌شوند و طبیعی است که به مرور زمان با توجه به شرایط سخت اردوگاه عده‌ای بدخواه و دشمن بخواهند از این قضیه سوءاستفاده کرده تا هتك حرمت و شخصیت مرا فراهم آورند. همچنین خبر آبروریزی فقط منحصر به آسایشگاه نمی‌شد و فردا صبح توسط بدخواهان در سطح اردوگاه پخش گردیده و رسوابی غیرقابل جبرانی بهبار می‌آورد. لذا قبلًا در این زمینه فکر کرده بودم که

فرجام ۱۷- سید حبیب الله مصطفوی (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۴) -۱۸- مجتبی فیض اللهی ۱۹- سید هادی حسینی اخگر ۲۰- فیروز اصلانی (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۵) -۲۱- محمد کاظمی ۲۲- رحیم کاظمی ۲۳- پرویز مردانی ۲۴- علی مختاری ۲۵- ایوب اسلامی ۲۶- اکبر اسلامی (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۸) -۲۷- مجید غلامی ۲۹- ابراهیم کشور (کمپ ۹ قسمت اول آسایشگاه ۳) -۳۰- محمد میرانی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۱) -۳۱- علیر خلوصی ۳۲- اسماعیل نقی پور ۳۳- علی شهبازی ۳۴- اصغر صمدی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۲) -۳۵- ابوالقاسم موسوی ۳۶- حمید فرهادی ۳۷- ایرج عباسی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۳) -۳۸- محمد پوینده ۳۹- ایوب فانی ۴۰- جعفر سلیمانی ۴۱- ابوالقاسم مرادی ۴۲- عباس خیر آبادی ۴۳- ارشد عباسی ۴۴- مسعود محمدی جوزانی ۴۵- حمید فلاخ پور ۴۶- قاسم هاشمی ۴۷- حمید سهرابی ۴۸- احمد شریفی ۴۹- غلام عظیمی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه ۴) -۵۰- علیرضا خلوصی ۵۱- موسی سزا سلطانی ۵۲- حسن اسدی ۵۳- قهرمان ذیحی ۵۴- علی اکبر مختاری ۵۵- سهراب قاسملو ۵۶- علی فراهانی (کمپ ۹ قسمت دوم آسایشگاه)^(۶)

اگر در چنین موقعیت سختی گرفتار شدم، چکار کنم که کسی متوجه موضوع نشود. تصمیم من این بود که مدفع را طوری با دست در ادارار حل کنم که اثری از آن نماند. هر چند اینکار موجب تغییر رنگ ادرار می‌شد ولی این آخرین شیوه‌ای بود که می‌توانستم از هتك حرمت و تحقیر شخصیت از سوی دیگران نجات پیدا کنم. کاملاً روش است این کار، کاری چندش آور و ناپسند است، لکن اگر به قیمت حفظ شخصیت و آبرو تمام شود می‌ارزد.

۲. تجزیه و تحلیل ارکان سه‌گانه عدم تأمین امکانات بهداشتی برای اسرا مصدق باز رفتار غیرانسانی و توهین‌آمیز

۱-۲. عنصر قانونی

۱. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ۲. اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق)، ۳. اساسنامه دادگاه نورنبرگ و توکیو، ۴. جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه روآندا، ۵. کمیسیون اروپایی حقوق بشر، ۶. مقررات و قواعد حقوق بشر دوسته بین‌المللی

جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند. ماده ۸ اساسنامه مذکور، جرائم جنگی را این‌چنین بیان می‌کند:

۱. نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، ۲. دیگر تخلفات جدی از قوانین و عرف‌های ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، در چهارچوب ثبت‌شده حقوق بین‌الملل، ۳. تخلفات جدی از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، ۴. دیگر تخلفات جدی از قوانین و عرف‌های ناظر بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در چهارچوب ثبت‌شده حقوق بین‌المللی (شريع‌باقری، ۱۳۸۴: ۲۰۳) فاقد خصیصه بین‌المللی در راستای تبیین جنایت هتك کرامت انسان و رفتار موهن به تصمیمات هر چند در متن این مقاله در راستای تبیین جنایت هتك کرامت انسان و رفتار موهن به تصمیمات محکم یوگسلاوی و نورنبرگ و غیره اشاره گردیده است، لکن آنچه معیار تشخیص جنایت جنگی تلقی شده است اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است. همچنین بهدلیل نزدیکی مفهوم رفتار غیرانسانی به هتك کرامت انسانی و رفتار موهن به جنایت مذکور نیز اشاره می‌شود تا اینکه از مقایسه این دو مفهوم احراز نماییم که کدامیک از این دو جنایت می‌تواند آثار ناشی از فقدان سرویس بهداشتی را تحت پوشش قرار دهد.

۱-۱-۲. هتك کرامت انسان بهویژه رفتارهای موهن و تحقیر‌آمیز^۱

متن مصوب کمیسیون مقدماتی: ۱. مرتكب به کرامت فرد یا افرادی تعدی کرده، آن را تحقیر کرده یا به طریقی دیگر آن را نقض نموده باشد، ۲. شدت، تحقیر، تخفیف یا نقض به اندازه‌ای باشد که

۱. جزء ۲۱ قسمت ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

عموماً به عنوان هنک کرامت انسانی تلقی شود،^۳ این رفتار در چهارچوب و در ارتباط با یک مخاصمه مسلحانه بین المللی صورت پذیرفته باشد،^۴ مرتكب با علم به اوضاع و احوال عینی موحد مخصوصه مسلحانه، مرتكب جنایت مذبور شده باشد.

۲-۱-۲. جنایت رفتار غیر انسانی^۱

۱. مرتكب، درد یا رنج شدید جسمی یا روحی را برفرد یا افرادی تحمیل کرده باشد.
۲. این فرد یا افراد، تحت حمایت یکی یا بیش از یکی از کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ باشند.
۳. مرتكب از اوضاع و احوال عینی موحد وضعیت مورد حمایت آگاهی داشته باشد.
۴. این عمل، در چهارچوب و در ارتباط با یک مخصوصه مسلحانه بین المللی ارتکاب یابد.
۵. مرتكب با علم به اوضاع و احوال عینی موحد مخصوصه مسلحانه، مرتكب جنایت مذبور شده باشد.

طبق ماده ۲۹ کنوانسیون ژنو «دولت اسیرگیرنده معهد است که همه اقدامات لازم برای اطمینان از نظافت و سلامت اردوگاه‌های خود را به عمل آورد و از شیوع بیماری‌ها پیشگیری نماید».^۲

در طول جنگ جهانی دوم اسرا بعضًا از دسترسی به توالت‌های بهداشتی در طول شب محروم بودند^۳ و همین مسئله باعث شد کنوانسیون ۱۹۲۹ به صراحت این حق را برای اسرا پیش‌بینی نماید.^۴ دولت اسیرگیرنده باید در تأمین امکانات بهداشتی و جلوگیری از شیوع بیماری در اردوگاه‌های اسرا مانند زندانیان خود عمل نماید.

اسرا به طور شبانه‌روزی باید از امکانات بهداشتی برخوردار باشند و مستمرةً پاکیزگی محیط‌های بهداشتی باید تضمین شود. برای زنان باید امکانات بهداشتی جداگانه‌ای در نظر گرفته شود. علاوه بر تأمین امکانات لازم برای استحمام باید آب و مواد شوینده لازم برای نظافت بدن و لباس‌ها تأمین شود. تأسیسات لازم، تسهیلات و زمان لازم برای این اهداف باید در نظر گرفته شود.

مسئله تأمین توالت‌های بهداشتی از جمله مهم‌ترین مسائل مربوط به حفظ نظافت و بهداشت در اردوگاه‌هاست. این تأسیسات باید طوری ساخته شود که که ضمن حفظ کرامت و شخصیت اسرا

۱. جزء دوم، قسمت الف، بند ۲، ماده ۸، اساسنامه دیوان بین المللی کیفری

2. Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, article 29.

3. See Report of the International Committee of the Red Cross on its activities during the Second World War, Vol. I, p. 263.

4. Commentary to Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, published under the general editorship of Jean S. Pictet, Doctor of Law Director for General Affairs of the International Committee of the Red Cross, International Committee of the Red Cross, 1960. P. 207.

و نظافت محیط، تعداد آن‌ها به اندازه کافی شاخته شده باشد. چنانچه توالت‌های ساخته شده کافی نباشد دولت اسیرگیرنده باید فوراً به میزان لازم تأمین نماید. این تأسیسات باید به طور دوره‌ای مورد نظافت قرار گیرند.^۱

رژیم بعث عراق می‌توانست برای تأمین امکانات بهداشتی برای اسرای ایرانی از همان اسرای ایرانی در بند خود به عنوان بخشی از کار در اردوگاه استفاده نماید. این امر مغایرتی با حقوق اسرا در استناد بین‌المللی ندارد.^۲ البته باید برای این کار دستمزد بگیرند. هرچند مسئولیت نهایی تأمین چنین امکاناتی به عهده دولت اسیرگیرنده است.^۳

عبارت اقدامات بهداشتی ضروری لازم می‌آورد که چنانچه لازم باشد توالت‌های شخصی نیز در نظر گرفته شود. زمانی که برای نظافت شخصی هر کس اختصاص داده می‌شود حداقل دونوبت در روز - یکی صبح و دیگری عصر بعد از کار - باید باشد.^۴

اسیران جنگی در همه احوال مستحق احترام به شخصیت و شرافت خویش می‌باشند. با زنان باید با کلیه احتراماتی که لازمه جنس آن‌ها می‌باشد، رفتار شود و در هر حال باید از همان رفتار مساعدی که در حق مردان اعطای شود، برخوردار گردند.^۵ اسیران جنگی اهلیت مدنی کامل خود را به نحوی که هنگام اسارت موجود بوده، حفظ می‌کنند و دولت بازداشت‌کننده نباید اعمال اهلیت مذکور را در خاک خود یا در خارج محدود سازد، مگر در حدودی که اسارت اقتضا دارد. هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به کاری که برای یک فرد نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده تحریق‌آمیز باشد، گماشت.^۶ از این حیث همچنین به بند ۱ ماده ۹۵ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌کند:

دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند بازداشتیان را به عنوان کارگر به کار گمارد، مگر آنکه خودشان تمایل داشته باشند ... استخدام در مشاغلی که دارای ویژگی موهن یا تحریق‌آمیز می‌باشد، در همه

1. Commentary to Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, published under the general editorship of Jean S. Pictet, Doctor of Law Director for General Affairs of the International Committee of the Red Cross, International Committee of the Red Cross, 1960. P. 207.

۲. ماده ۵۰ کنوانسیون سوم

۳. ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۲۹

4. Commentary to Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, published under the general editorship of Jean S. Pictet, Doctor of Law Director for General Affairs of the International Committee of the Red Cross, International Committee of the Red Cross, 1960. P. 208.

۵. ماده ۱۴ کنوانسیون سوم

۶. بند ۲ ماده ۵۲ کنوانسیون سوم ژنو

احوال ممنوع می‌باشد. افراد مورد حمایت در همه احوال، مستحق احترام به شخصیت و شرافت خود و حقوق خانوادگی خود و اعتقادات و اعمال مذهبی خود و عادات و رسوم خود می‌باشند. در هر زمان با آنان با انسانیت رفتار خواهد شد و بهویژه در مقابل همه گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدید به آن و توهین و کنجکاوی عمومی حمایت خواهند گردید.^۱

اسرای جنگی علاوه بر حقوق خاص خود طبق موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه باید از تضمین‌های حقوق بشر نیز برخوردار گرددند. به عبارت دیگر حقوق بشر در زمان جنگ نیز قدرت اجرایی خود را از دست نمی‌دهد اگرچه حقوق بشردوستانه در زمان صلح محل اجرا ندارد. ازین‌رو محاکم حقوق بشر جهان از جمله دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر در برخی از قضایای خود م تعرض شرایط بازداشت و لزوم تأمین امکانات بهداشتی برای زندانیان نیز شده‌اند.

۲-۲. عصر مادی

رکن مادی این جنایت می‌تواند به صورت فعل یا ترک فعل باشد. یکی از بارزترین رفتار مادی جرم به صورت فعل است. مانند توهین، فحاشی و تحریر وغیره که در این حالت جنایت به طور مستقیم از طرف مرتکب متوجه قربانی است. لکن در صورتی که جرم به صورت ترک فعل تحقق یابد لازم است که یک سری وظایف قانونی برای مرتکب پیش‌بینی شود تا با ترک وظیفه جنایت به وقوع بپیوندد. به عبارت دیگر برای تتحقق جرم به صورت ترک فعل وجود وظیفه قانونی ضروری است. با این وصف در حالت فقدان وظیفه، ترک فعل نمی‌تواند موجبات تتحقق جرم را فراهم آورد. همان‌گونه که اشاره شد مطابق مقررات بین‌المللی بهویژه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای اسیر گیرنده وظایفی تعیین و تعریف شده است که رعایت آن ضروری بوده و در صورتی که به این وظایف عمل نشود، از سویی حقوق اسیران جنگی نقض شده و از سوی دیگر جنایت جنگی محقق می‌گردد. همان‌گونه که مورد استناد قرار گرفت مطابق مواد ۲۲ و ۲۵ کنوانسیون سوم ژنو تهیه مسکن مناسب با کلیه امکانات لازم وظیفه کشور اسیرگیرنده است. بدون شک پیش‌بینی سرویس بهداشتی در داخل آسایشگاه در حالتی که به مدت ۱۲ ساعت از غروب تا صبح درب آن بسته می‌شود از امکانات ضروری است. با این وصف عدم پیش‌بینی توالت در آسایشگاه که آثار و عوارض تحریرآمیز و مغایر با شان و کرامت انسان ایجاد می‌کند مصدق بارز ترک فعل و موجب تحقق جنایت هنک کرامت انسان و رفتار موهن است.

۱. ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو

عنصر مادی، اولاً، کلیه اشخاص را می‌توان به لحاظ جزایی مسئول ارتکاب جنایات جنگی قلمداد کرد. اصولاً هر جنایت را باید به طور موردی تحت بررسی قرار داد، بر این اساس افراد غیرنظمی نیز ممکن است مسئول ارتکاب جنایات جنگی شناخته شوند (کریانگ ساک کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۲۵۸). دوم اینکه، به نظر می‌رسد هر فعل یا ترک فعلی که نقض مقررات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی باشد (جوانی، بی‌تا: ۱۲۲) می‌تواند به عنوان عنصر مادی این دسته از جرائم قلمداد شود.

عبارت‌پردازی جنایت حاضر، مبین این است که رفتارهای موهن و تحقیرآمیز صرفاً از هتك حرمت کرامت انسانی هستند. استعمال واژه «به‌ویژه» در نص این عبارت‌پردازی مؤید تمثیلی بودن این رفتارها می‌باشد.^۱

به زعم کمیسیون مقدماتی، عنصر مادی این جنایت عبارت است از تحقیر، تخفیف یا رفتار دیگری که ناقض کرامت و حرمت انسان باشد. استعمال واژه «به‌ویژه» در جزء ۲۱ قسمت ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، مبین این واقعیت است که اساسنامه تحقیر و تخفیف را به عنوان مصادیقی از هتك کرامت انسان لحاظ نموده است. کمیسیون مقدماتی با گنجاندن عبارت «یا به طریقی دیگر کرامت فرد یا افراد را نقض نموده باشد» در بند یک، تلاش نمود تا از محدودشدن این جنایت به تحقیر و تخفیف جلوگیری نموده و بتواند دیگر انواع هتك کرامت انسانی را نیز در برگیرد. رفتار را نمی‌توان موهن قلمداد نمود، مگر اینکه افراد مربوط در برابر دیدگان دیگران یا در برابر چشمان خود، متحمل تحقیر یا تخفیفی شده باشند که به سطح حداقل شدت لازم رسیده باشد.^۲

در حین ارزیابی اینکه آیا رفتار به درجه‌ای رسیده است که تشکیل دهنده هتك کرامت انسانی باشد، زمینه‌های فرهنگی قربانی را باید ملاحظه نظر قرار داد. با عنایت به اینکه اغلب شدت تحقیر یا تخفیف قربانیان به زمینه‌های فرهنگی ایشان بستگی دارد، این قید، مهم تلقی شد (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیته ملی حقوق بشر دوستانه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳).

آموزه‌های فرهنگی در تعیین رفتارهای موجب هتك حرمت انسان نقش اساسی دارد. چه اینکه ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی که فرد در آن تربیت یافته است شخصیت وی را تعریف می‌کند. شاید آثار و عواقب تحقیرآمیزی که از فقدان سرویس بهداشتی در کمپ^۳ برای اسرای ایرانی ایجاد می‌شد در سایر فرهنگ‌ها وضعیت به این سخت‌گیرانه نباشد. لکن فرهنگ ایرانی و به‌ویژه شرایط و

1. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. AntoFurunszija, IT.95-17/1-T.para.186.p.73;121 ILR 218 at 272

2. ECtHR Case of Campbell and Consans, Publication of the European Court of Human Rights, Series A; Judgments and Decisions, vol, 48, p.13; 67ILR480 at 492.

او ضاع و احوال اردوگاه و ممنوعیت رفع حاجت در شب‌ها و تعیین مجازات برای آن از لحاظ فرهنگی قابل پذیرش نبود.

از جمله مصاديق فرهنگی (که در طول مذاکرات به آن‌ها اشاره شد) می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: فرد دیگر قربانی را مجبور نموده باشد تا چیزی را که تناول آن در مذهب وی ممنوع می‌باشد، تناول نماید. دومین مصدقه که بر قضایای مربوط به جنگ دوم جهانی^۱ تکیه دارد عبارت است از تراشیدن موی سرو ریش اسیران جنگی هندی که دارای مذهب سیک هستند و اجبار ایشان به کشیدن سیگار حال آنکه پیروان مذهب سیک از تراشیدن موی سر یا ریش و نیز استعمال دخانیات ممنوع می‌باشند. این رفتار باید هدف اصلی مقرر در این جنایت، یعنی تعدی نسبت به کرامت انسانی را به دنبال داشته باشد. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق از این حیث اشعار داشت:

«هنک حرمت کرامت انسانی مقرر در ماده ۳ اساسنامه، شکلی اسفناک از رفتار غیرانسانی است و بعضاً درد و رنج ناشی از آن از اکثر اعمال ممنوعه داخل در این قسم از رفتارها، شدیدتر می‌باشد. بی‌تردید، ممنوعیت اعمال تشکیل‌دهنده هنک حرمت انسانی از ارزشی مهم صیانت به عمل می‌آورد. فی الواقع، به سختی می‌توان ارزشی مهم‌تر از احترام به فردیت انسانی را مورد شناسایی قرار داد»^۲.

دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق خاطرنشان ساخت: «صیانت از کرامت انسانی مشتمل بر (ممنوعیت) هر گونه فعل یا ترک فعلی است که تمامیت قربانی من جمله تمامیت جنسی وی را تحقیر، تخفیف یا مورد حمله قرار دهد»^۳. از این حیث، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق به ویژه در قضیه آکوفسکی خاطر نشان ساخت:

«هنک کرامت فرد عملی است که از طریق اهانت به کرامت انسانی فرد دیگر تحقق می‌یابد. در نتیجه، این عمل باید موجب تحقیر یا تخفیف شدید قربانی شده باشد. ضرورتی ندارد عمل مذکور مستقیماً به سلامت روانی یا جسمی قربانی آسیب وارد نماید. فی الواقع همین که این تهدید یا تمسخر منجر به درد و رنج بلندمدت و واقعی در فرد شده باشد، کافی خواهد بود. مسلمان درجه رنجی که قربانی متحمل می‌شود، به طبیعت وی بستگی خواهد داشت. از این حیث افراد حساس آمادگی بیشتری دارند که تحقیر آمیز بودن رفتار دیگران را درک کرده و بیش از دیگران تحت تأثیر درد و رنج ناشی از این رفتارها قرار گیرند.

1. Tanaka Chuichi and Other Case, in UNWCC, LRTWC, vol. XIII. pp.62 ff; 13AD289.
2. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Zlatko Aleksovski, IT.95-14/1-T. para.54.
3. ICTY, Prosecutor's Pre-trial Brief, The Prosecutor v. Dragoljub Kunarac, IT.96-23-PT.PP.28ff.

از سوی دیگر، مرتکب باید جهت ایجاد اضطراب شدید در افراد دارای روحیه آرام، تلاش بسیاری به عمل آورد. زیرا رفتارهای دیگران این افراد را پریشان خاطر نمی‌سازد و چنانچه رفتاری را تحقیرآمیز قلمداد نمایند، برای غلبه بر آن بیش از دیگران، نسبت به این رفتار بی‌اعتنای خواهند بود. بنابراین رفتاری واحد از مرتکب می‌تواند رنج شدیدی را در افراد حساس ایجاد نموده و هم‌زمان برای افراد دارای روحیه آرام از اهمیت چندانی برخوردار نباشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود این تفاوت در نتیجه منبعث از عنصر ذهنی است.^۱

طبق ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «هیچ کس نباید در معرض شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی و توهن آمیز قرار گیرد». دیوان اروپایی حقوق بشر پس از تحقیقات به این نتیجه رسید که «در سلولی که خواهان‌ها زندانی بودند به شدت کثیف و کهنه بود و رنگ دیوارها و سقف آن از بین رفته بود، رختخواب‌های آن بسیار کثیف و کهنه بوده است. تشک‌های بادی و زمینی که با مقوا پوشانده شده بود به دشواری می‌توان گفت کودکان را بتوان در چنین شرایطی بتوان زندانی کرد.»^۲ به همه این موارد باید امکان دسترسی محدود به توالت و سرویس‌های بهداشتی را افزود ... که زندانیان را مجبور می‌کردند در کف سلولی که در آنجا زندانی بودند، قضای حاجت نمایند.^۳ دیوان اروپایی حقوق بشر بارها تأکید کرده است که در رابطه با امکانات بهداشتی زندانیان، زندانی را در وضعیت تحقیرآمیز نگه داشتن یا مجبور کردن او به اینکه در حضور هم‌سلولی‌های خود درون سلطی قضای حاجت نماید هیچ توجیهی ندارد، مگر اینکه آزاد گذاشتن زندانی برای دسترسی به امکانات بهداشتی دارای خطر شدید امنیتی باشد.^۴

از نگاه دیوان، مقامات بلغارستان با نگهداری زندانیان در شرایط دشوار از جمله عدم دسترسی به توالت و امکانات بهداشتی خواهان‌ها را در معرض رفتار غیرانسانی و توهین آمیز قرار داده‌اند^۵ و به همین جهت ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نیز نقض کرده‌اند.^۶

1. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Zlatko Aleksovski, IT.95-14/1-T para.56.

2. Article 3 of The European Convention of Human Rights.

3. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018,, Para. 84.

4. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018,, Para. 85.

5. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018,, Para. 86.

6. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018, Para. 90

7. The European Court of Human Rights, CASE OF S.F. AND OTHERS v. BULGARIA, Judgment, 07/03/2018, para. 93

در قضیه الکتروفسکی^۱، دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق با تمسک به تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، بر ماده ۷۵ پروتکل اول العاقی و نیز داده‌های دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در همین قضیه^۲، هنک کرامت انسانی بهویژه رفتارهای موهن و تحقیرآمیز، فحشای اجباری یا هر شکل از حملات بی‌شرمانه را به شرح ذیل توصیف نمود:

«هنک حرمت کرامت انسانی، به اعمالی اشاره دارد که هدف از آن‌ها (بدون اینکه مستقیماً موجد صدمه به تمامیت جسمی و روانی افراد شوند) تحقیر و تمسخر افراد یا حتی اجبار ایشان به انجام اعمالی موهن می‌باشد.»

تصادیق هنک کرامت انسان و رفتار موهن ناشی از فقدان سرویس بهداشتی در آسایشگاه‌های

کمپ ۹ بدین شرح است:

۱. تعییه پتو در گوشة آسایشگاه و قراردادن یک سطل در پشت آن صرفاً برای ادرار.
۲. منوعیت استفاده از سرویس بهداشتی موجود در محوطه اردوگاه در طول بسته شدن درب آسایشگاه به مدت ۱۲ ساعت.
۳. منوعیت استفاده از سطل ادرار موجود در آسایشگاه در موارد اضطراری به‌نحوی که اگر کسی به‌دلیل عدم تحمل ضبط مدفع ناگزیر از استفاده می‌شد، مورد تحقیر و تمسخر قرار می‌گرفت.
۴. گاهی استفاده‌کننده از ظرف ادرار، به نگهبان اردوگاه معرفی و مورد تنبیه و یا حداقل مورد استهزا و تمسخر قرار می‌گرفت. این تمسخر و تحقیر نه به‌طور خصوصی بلکه در حضور دیگران در آسایشگاه صورت می‌گرفت.
۵. گاهی مشاهده می‌شد صبح هنگام، قبل از باز شدن درب آسایشگاه شخصی در اثر فشار =های ضبط مدفع دائم در جنب و جوش و حرکت است تا بلا فاصله پس از گشوده شدن درب خود را به توالی موجود در محوطه برساند.
۶. هجوم ۴۰۰ نفری اسیران به طرف توالی‌های موجود دمحوطه به مدت چهار سال و نیم که گاهی با تمسخر و توهین نگهبانان عراقی همراه بود.
۷. ازدحام جمعیت پشت توالی‌های دهگانه در صبح که اغلب یکی دو تا از آن‌ها قابل استفاده نبود. به‌خاطر عدم گنجایش محوطه سرویس بهداشتی، کسانی که دیر می‌رسیدند باید در حیاط اردوگاه قدم می‌زدند تا نوبشان فرا برسد.

1. ICTY.Prossector's Closing Brief, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-PT.

para56, p.23.

2. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. ZlatkoAleksovski, IT.95-14/1-T. para.55.

۸. گاهی شب‌ها قبل خواب مشاهده می‌شد کسی به دلیل عدم تحمل ضبط مدفعه با تمام سرعت از جایش بلند شده به طرف گوشة آسایشگاه یعنی ظرف ادرار می‌دود.
مفاد فوق در مواد متعدد کنوانسیون‌های ژنو (ماده ۳ مشترک، ماده ۱۱۴ و ماده ۵۲^۱ کنوانسیون سوم و ماده ۲۷^۲ کنوانسیون چهارم) انکلاس یافته است^۳.

شعبه بدوى دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه کوناراج و دیگران درخصوص رنج بلندمدت، (همان‌گونه که در مطلب فوق از دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نقل شد) رویکرد متفاوتی را در پیش گرفت:

۱. ماده ۱۴ کنوانسیون سوم:

«اسیران جنگی در همه احوال مستحق احترام به شخصیت و شرافت خویش می‌باشند. با زنان باید با کلیه احتراماتی که لازمه جنس آن‌ها می‌باشد، رفتار شود و در هر حال باید از همان رفتار مساعدی که در حق مردان اعطا می‌شود، برخوردار گرددن.

اسیران جنگی اهلیت مدنی کامل خود را به نحوی که هنگام اسارت موجود بوده، حفظ می‌کنند و دولت بازداشت‌کننده نباید اعمال اهلیت مذکور را در خاک خود یا در خارج محدود سازد. مگر در حدودی که اسارت اقتضا دارد.»

۲. بند ۲ ماده ۵۲ کنوانسیون سوم ژنو:

«هیچ اسیر جنگی رانمی‌توان به کاری که برای یک فرد نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده تحقیرآمیز باشد، گماشت.

از این حیث همچنین به بند ۱ ماده ۹۵ کنوانسیون چهارم ژنو رجوع نمایید که مقرر می‌کند: «دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند بازداشتیان را به عنوان کارگر به کار گمارد، مگر آنکه خودشان تمایل داشته باشند ... استخدام در مشاغلی که دارای ویژگی موهن یا تحقیرآمیز می‌باشند، در همه احوال ممنوع می‌باشد.»

۳. ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو:

«افراد مورد حمایت در همه احوال، مستحق احترام به شخصیت و شرافت خود و حقوق خانوادگی خود و اعتقادات و اعمال مذهبی خود و عادات و رسوم خود می‌باشند. در هر زمان با آنان با انسانیت رفتار خواهد شد و به ویژه در مقابل همه‌گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدید به آن و توهین و کنجدگاری عمومی حمایت خواهد گردید.

زنان به ویژه در مقابل تخطی به شرافت به ویژه تجاوز به عنف و اجبار به فحشا و هرگونه حملات شرم‌آور حمایت خواهند شد.

دولت متخاصلی که افراد مورد حمایت را در اختیار خود دارد با رعایت مقررات مربوط به وضع مزاج، سن و جنس آنان با همگی با توجهات متساوی بودن هیچ‌گونه تبعیض نامساعد من جمله از لحاظ نژاد یا مذهب یا عقاید سیاسی رفتار خواهد کرد.»

4. C.Pilloud and J.S.Pictet, "Art .75" in Y. Sandoz, C. Swinarski and B. Zimmermann (eds.), Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (ICRC, MartinusNijhoff, Geneva,1987), nos.3042 ff.

«شعبه بدوي می‌پذيرد که هنک حرمت کرامت فرد، عبارت است از عملی که منجر به تحقيیر يا تخفيف شديد قرباني می‌شود. مع الوصف، نمی‌توان پذيرفت که اين تحقيير يا تخفيف باید موجد رنجی بلندمدت در قرباني شده باشد. اين شعبه نمی‌تواند خود را به اين نتيجه راضی کند که چرا تحقيیر يا تخفيف واقعی و شدید، باید در عین حال ويزگی بلندمدت نيز داشته باشد، به زعم محکمه، نمی‌توان بهبود يافتن وضعیت قربانی يا این واقعیت را که در حال غلبه بر تبعات اين جنایت می‌باشد را به عنوان شاخصی در نظرگرفته و قائل به اين شد که اعمال ارتکابی عليه‌وي، موجد هنک حرکت کرامت انسانی نیست. به طور قطع، چنانچه درد و رنج و تحقيیر ایجاد شده، سریعاً زائل شود، به سختی می‌توان اوصاف شدید و واقعی را به آن مناسب نمود. مع ذلك این بدان معنی نخواهد بود که هر قسم از سطح موقت و حداقلی از تبعات هنک حرمت کرامت انسانی عنصر اين جنایت خواهد بود.^۱

با وجود اين، شعبه بدوي با عنایت به مسئله مطروحه در قضیه آلكزوفسکی مبنی بر اينکه چطور می‌توان وجود تحقيیر يا تخفيف را اندازه‌گيري نمود، اين نظر را مورد تأييد قرار داد که: «ارزيابي صرفاً ذهنی متهم، غيرعادلانه خواهد بود. زيرا في الواقع در اين صورت، قابلیت مجازات وي نه بر شدت رفتار بلکه بر ميزان حساسیت قربانی متکی خواهد شد.^۲

بر اين مينا، شعبه بدوي اظهار داشت:

«هنک حرمت فرد، عبارت است از هرگونه فعل يا ترك فعلی که عموماً به عنوان رفتار موجد تحقيیر، تخفيف يا، هرشكلي به عنوان حمله شدید به کرامت انسانی مورد شناسايی قرار می‌گيرد.^۳

علاوه بر اين، دادگاه در قضیه آلكزوفسکی شاخص‌هایی را در شناسایی شدت لازمه اين رفتار ارائه داد:

«شدت رفتار و تبعات آن می‌تواند از طبیعت رفتار في نفسه، تکرار آن يا ترکیب رفتارهای مختلف ناشی شود که چنانچه به صورت انفرادی اتخاذ شوند جنایت در مفهوم ماده ۳ اساسنامه تلقی نخواهد شد. در احراز وقوع اين جنایت، باید شکل، شدت و طول مدت خشونت، شدت و طول مدت رنج جسمی يا روانی به عنوان شاخص مورد توجه قرار گيرند.^۴

-
1. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Dragoljub Kunarac and Others, IT.96-23 and IT 96-23/1-T. para. 501.
 2. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Dragoljub Kunarac and Others, IT.96-23 and IT 96-23/1-T. para. 504.
 3. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Dragoljub Kunarac and Others, IT.96-23 and IT 96-23/1-T. para. 507.
 4. ICTY, Appeals Chamber Judgment, The Prosecutor v. Zlatko Aleksovski, IT.95-14/1-T para 23/1-57.

دادگاه اروپایی حقوق بشر با عنایت به اشکال مختلف بدرفتاری مقرر در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، یعنی رفتار غیرانسانی یا موهن، در قالب عباراتی کلی خاطرنشان ساخت: «بدرفتاری باید به حداقل سطحی از شدت رسیده باشد تا مشمول قلمرو ماده ۳ (کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) گردد. ارزیابی این حداقل سطح، از حیث ماهیت امور، جنبه نسبی داشته و به تمامی اوضاع و احوال قضیه از جمله طول مدت درمان، تبعات روحی یا جسمی و دربرخی موارد به سن، جنس و وضعیت سلامت قربانی بستگی دارد.»^۱ بهویژه، عبارت رفتار موهن بهموجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخستین بار در قضیه یونان به شرح ذیل تعریف شد:

«چنانچه رفتار یا مجازات فرد به شکل فاحش وی را نزد دیگران تحقیر نموده یا وی را ملزم به انجام رفتاری برخلاف خواست و وجودانش نماید، موهن قلمداد می‌شود.»^۲

دادگاه اروپایی حقوق بشر، سپس در قضیه (ایرلند علیه انگلستان) پنج شیوه بازجویی ذیل را موهن قلمداد نمود:

«از آنجایی که این شیوه‌ها، از جمله موجد احساس ترس، اضطراب و ذلت در قربانی بودند، احساساتی که استعداد تحقیر، تخفیف و شکستن مقاومت روحی یا جسمی ایشان را دربرداشت».^۳ این دادگاه در قضیه‌ای دیگر، عناصر مجازات موهن را به شرح ذیل تبیین نمود:

۱. مقامات با قربانی به عنوان شیء در دست خود رفتار نموده باشند؛
۲. این رفتار به صراحت، حمله به یکی از اهداف اصلی ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، یعنی کرامت و سلامت جسمی فرد باشد؛

1. ECtHR, Ireland v. UK. Publications of the European Court of Human Rights, Series A: Judgment and Decisions, vol.25 , p.65;58 ILR 188 at 264;ECtHR, Tyrer case in Judgments and Decisions vol.26,p.14,58 ILR 339 at 352 ECtHR, Case of Campbell and Consans, in Judgments and Decisions , vol 48. P.13;67 IRL 480 at 492;ECtHR, Selcuk and Asker v. Turkey. Reports of Judgments and Decisions, 1998 II,p.910.
2. ECtHR The Greek case, (1972)12 Year Book of the Convention on Human Rights, p. 186 See: ECtHR., Ireland V. UK, (1976)19YearBook of the Convention on Human Rights, p.748;58 ILR 188 at 265.
3. ECtHR, Ireland V. UK, Publications of the European Court of Human Rights , Series A. Soering case, in Judgments and Decisions Vol, 161. Para.100,p.39.98 ILR 270 at 307. ECtHR, Case of Campbell and Cosans, in Judgments and Decisions, vol 48.p.13;67 ILR 480 at 492. در این قضیه اذعان شد، رفتار در صورتی موهن خواهد بود که فرد مزبور در برابر دیدگان دیگران یا در برابر چشممان خود، متحمل تحقیر و ذلتی شده باشد که به حداقل سطح شدت رسیده است. این حداقل سطح را باید با عنایت به اوضاع و احوال، مورد ارزیابی قرارداد.

۳. این مجازات، واجد تبعات روانی نامطلوبی باشد؛

۴. قربانی متحمل اضطراب روحی شده باشد.^۱

با توجه به رویه قضایی فوق بدرفتاری مقرر در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، می‌توان اظهار داشت: همان طور که درخصوص شیوه‌های پنج گانه بازجویی در قضیه ایرلند علیه انگلستان و نیز حمله جنسی و در قضیه توomasی علیه فرانسه اظهار شد، رفتاری واحد، این قابلیت را دارد که هم‌زمان موهن و غیرانسانی باشد.^۲ کمیسیون در قضیه یونان اظهار داشت، تمامی موارد شکنجه، رفتاری موهن و غیرانسانی و نیز تمامی موارد رفتار غیرانسانی، موهن می‌باشد.^۳ مع‌الوصف تمامی رفتارها یا مجازات‌های موهن الزاماً غیرانسانی یا واجد شدت لازم برای شکنجه نخواهد بود.^۴

کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز از تبیین دقیق تفاوت بین عبارات شکنجه و رفتار غیرانسانی و رفتار موهن مندرج در ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اجتناب نموده‌اند.^۵ دیوان آمریکایی همچون کمیته حقوق بشر این مفاهیم را در شماری از قضایا مستقیماً نسبت به وقایع، اعمال نموده است. نهادهای مذکور در این قضایا، خود را محدود به بررسی این مهم نمودند که آیا حق برخورداری از رفتار انسانی نقض شده است یا خیر.

منابع فوق ما را به این نتیجه رهنمون می‌نماید که هیچ وجه افتراق واقعی بین رفتار موهن و رفتار تحقیرآمیز وجود ندارد، چه اینکه ظاهراً در مقررات حقوق بشر، عناصر تشکیل دهنده تحقیر، همان عناصر تشکیل دهنده رفتار موهن می‌باشد.

فهرست تمثیلی ذیل (که از قضایای حقوق بشری استنباط شده) می‌بین این است که چه عملی می‌تواند تشکیل دهنده رفتار موهن و تحقیرآمیز باشد:

۱. اشکال تبعیض نژادی (رفتار متفاوت با گروهی از اشخاص بر مبنای نژاد)^۶

1. ECtHR, Tyrer case, Publications of the European Court of Human Rights. Series A: Judgments and Decisions Vol, 26, pp.16 ff ILR 339 at 354-5

2. ECtHR, Ireland v. UK, Publications of the European Court of Human Rights, Series A :Judgments and Decisions Vol.25 Para 162 ff, pp 66 ff;58 ILR 188 at 265; ECtHR. Tomasi v. France, in Judgment and Decisions, vol.241-A, para.107 ff, pp. 40ff.

3. ECtHR, the Greek case, (1972) 12 Year Book of the Convention on Humen Rights, p.186.

4. ECtHR, Tyrer case, Publications of the European Court of Human Rights. Series A: Judgments and Decisions Vol,26, para 29, p 14;58 ILR 339 at 352.

5. S.Davidson, "The Civil and PoliticalRightsProtectes in the Inert-American HumanRights System; In D. Harris and S. Livingstone (eds), The Inter-American System of Human Rights (Clarendon Press, Oxford, 1998), p.230.

6. ECtHR, East African cases 3 EHRR 1973 Com Rep. P. 76;C M D H (77).

۲. شیوه‌های خاص روانی بازجویی که هم‌زمان موجد رفتار غیرانسانی است (ایستادن به موازات دیوار، پوشاندن سر، در معرض سروصداق‌گاراند، محرومیت از خواب، محرومیت از خوراک و آشامیدنی)^۱؛

۳. در قضیه هورتاو علیه سوئیس، برای بازداشت قربانی از نارنجک بی‌حس‌کننده استفاده شد و قربانی در اثر آن در شلوار خود مدفوع نمود. کمیسیون به این نتیجه رسید که عدم امکان تعویض لباس تا روز آینده و موکول شدن آن به بعد از انتقال وی در بین ساختمان‌ها و بازجویی، رفتاری موهنه تلقی می‌شود^۲؛

۴. اشکال خاص تنبیه بدنی^۳؛

۵. رفتارهای خودسرانه در زندان که منظور از آن تحقیر زندانی و ایجاد حس ناامنی در ایشان می‌باشد (زندان انفرادی مکرر، محکومیت به جابه‌جایی مدام به سلول‌های سرد و متعدد)؛^۴

۶. آویزان نمودن زنان به صورت عریان در حالی که دستبند به دستان ایشان بسته شده یا اجبار بلندمدت آن‌ها به ثابت ماندن در وضعیتی خاص، تشکیل‌دهنده تحقیر می‌باشد.^۵
در ذیل جا دارد به برخی از قضایای خاص مربوط به محاکمات بعد از جنگ دوم جهانی اشاره نماییم:

در قضیه کی مالزر، متهم به اتهام اعمال خشونت‌آمیز، توهین و تجسس عمومی مغایر با بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو محکوم شد. اسیران مزبور ملزم شده بودند تا به تقلید از مراسم شان

1. ECtHR , Ireland v. UK, Publications of the European Court of Human Rights, Series A : Judgments and Decisions Vol.25,p.96;58ILR188at 239.

2. ECtHR, Hurtado v. Switzerland, Publications of the European Court of Human Rights, Series A : Judgments and Decisions Vol280-A.P.14.

۳. جهت آشنایی با جزئیات بیشتر نک:

O'Boyle aandWarbrick, Law of the European Convention on Human Tihts, pp.81: ECtHr, Tyrer case, Publications of the European Court offf Human Rigths, Series A: Judgments and Decisions vol.26

pp.16 ff;58 ILR 339 at534; ECtHR, Costello-Roberts v. UK, in Judgmentsand Decisions vol 247-C, paras 29-32, pp. 59-60/ ECtHR, Y.v .UK, in Judgments and Decisions vol247-A,Con Rep, paras, 37-46 , pp.12-14(

4. Conetris v. Uruguay, Communication No.139-1983, Report of the Human Rights Committee, UN Doc. A/40/40, Parars.9.2-10, pp.201-2.

5. ArzundaGliboa v. Uruguay, Communication No.147/1988, /41/40, Para. 4.3.and 14 , pp- 130 and 133 Soriano de Bouton v. Uruguay, Communication No37/1978, Report of the Human Rights Committee, UN Doc.A/36/40, paras 2.5 and 13, pp. 144 and 146; 62ILR 265 at 257 and 258.

مبني بر برگزاری رژه‌های سنتی که هنگام پیروزی انجام می‌شد، در خیابان‌های شهر رم رژه روند.^۱ در قضیهٔ تی چونیچی و دیگران، متهم علاوه بر بدرفتاری با استفاده به تراشیدن موی سر و ریش و نیز اجبار اسیران جنگی که دارای مذهب سیک بودند و اجبار به کشیدن سیگار، تحت تعقیب قرار گرفت. چراکه معتقدان به مذهب سیک از تراشیدن موی سر یا ریش و نیز استعمال دخانیات ممنوع هستند (مواد ۲، ۳، ۱۶ بند ۳ ماده ۴۶ و ماده ۵۴ کنوانسیون ژنو ۱۹۲۹ و ماده ۱۸ مقررات لاهه ۱۹۰۷).

۳-۳. عنصر روانی

فقدان سرویس بهداشتی در آسایشگاه‌های کمپ ۹ به مدت طولانی برای تحقق رکن معنوی این جرم کافی است. زیرا مدت چهار سال و نیم، یعنی تمام مدت اسارت این فرض را منطقی می‌سازد که عوامل عراقی عمدی در این کار نداشته‌اند. هرچند به نظر می‌رسد سوءنیت عام برای تحقق این جرم کفایت می‌کند و نیازی به سوءنیت خاص نیست. همان‌گونه که می‌دانیم قصد بر دو قسم است: قصد عام و قصد خاص.

قصد عام عبارت است از اقدام ارادی آگاهانه مرتكب. یعنی عدم ساخت توالت در آسایشگاه‌ها که به صورت ترک فعل تحقق پیدا کرده و به طور ارادی، آگاهانه و با علم صورت گرفته است. به هیچ عنوان نمی‌توان قبول کرد که اینکار از روی سهل‌انگاری و یا غفلت صورت گرفته باشد. ماهیت نیاز به سرویس بهداشتی به گونه‌ای است که هیچ‌کس نمی‌تواند ضرورت آن را انکار و همچنین کسی نمی‌تواند نادیده گرفتن این احتیاج بدیهی را از روی غفلت و سهل‌انگاری تلقی نماید. لذا کاملاً آشکار است این ترک فعل با علم و آگاهی صورت گرفته است.

آیا ارتکاب این جنایت نیاز به سوءنیت خاص دارد یا خیر، باید گفت که ارتکاب این جنایت نیاز به سوءنیت خاص ندارد. یعنی لازم نیست که مرتكب قصد تغییر و اهانت هم داشته باشد. بلکه رفتار تحقیرآمیز کافی است. به عبارت روشن‌تر لازم نیست عدم ساخت سرویس در آسایشگاه‌های اردوگاه به منظور اهانت و توهین و یا حتی به خاطر زجر کشیدن اسیران باشد. بلکه صرفاً عدم پیش‌بینی این امکان بهداشتی برای تحقق جرم کافی است.

در تعقیب یک متهم به جنایت کیفری، عنصر روانی باید بر اساس مؤلفه‌های عینی تعدیل شود. در غیر این صورت، به عدم انصاف در رفتار با متهم منجر خواهد شد. چراکه فی الواقع مجازات وی بر شدت رفتار بستگی نخواهد داشت بلکه این حساسیت قربانی است که قابلیت مجازات متهم را دامن خواهد زد. در نتیجه، گنجاندن مؤلفه‌ای عینی در عنصر مادی بجا و مناسب خواهد بود و آن

1. In UNWCC,LRTWC, vol. XI, pp.53 ff: 13AD 289.

عبارت است از اینکه تحقیر قربانی باید آنقدر شدید باشد که هتک حرمت فردی معقول و نوعی را در پی داشته باشد».^۱

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه آلكزوفسکی اظهار داشت:

«بی مبالغی کافی نیست، مرتكب باید عامده نمرتكب فعل یا ترک فعل شده باشد. لیکن عنصر

عمد به تنهایی کافی نخواهد بود. گرچه ضرورتی ندارد مرتكب قصد خاص تحقیر یا تخفیف قربانی را

داشته باشد. مع‌الوصف باید قادر به درک تبعات ممکن وقابل پیش‌بینی اقدامات خویش بوده باشد.»^۲

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه کوتاراک و دیگران اشعار داشت، ملاحظات

شعبه بدوي درخصوص چسبتی عنصر روانی جنایت هتک حرمت، در این قضیه محجز نمی‌باشد.^۳

بهویژه دادگاه لازم به ذکر می‌داند که تأکید کند عنصر روانی جنایت مذکور مستلزم قصد خاص تحقیر،

تمسخر یا تخفیف قربانی نخواهد بود.^۴ دادگاه با بررسی رویه قضایی موجود به نتایج ذیل دست یافت:

«شعبه بدوي معتقد است که قصد ارتکاب فعل یا ترک فعل خاص که موجود مسئولیت کیفری

در این چهارچوب می‌باشد، مستلزم آن است که مرتكب بر ویژگی عینی فعل یا ترک فعل مربوطه

علم داشته باشد. علم بر طبیعت رفتاری خاص، بعد ضروری قصد انجام عمل را تشکیل می‌دهد. با

عنایت به اینکه فعل یا ترک فعل موجود هتک حرمت فرد، فعل یا ترک فعلی است که عموماً پذیرفته

شده که منجر به تحقیر، تخفیف یا دیگر حملات شدید علیه کرامت انسانی خواهد شد، متهم باید

بر این ویژگی فعل یا ترک فعل خود علم داشته باشد. به عبارت دیگر، متهم باید آگاه باشد که فعل یا

ترک فعل وی موجود تحقیر، تخفیف یا حملات شدید علیه کرامت انسانی خواهد شد. فی الواقع این

امر متفاوت از آن است که لازم دانسته شود مرتكب بر نتایج واقعی آن عمل آگاه بوده است. در عمل،

مستله آگاهی از ماهیت فعل، احتمالاً اهمیت چندانی ندارد. هنگامی که آستانه عینی یک جنایت

وجود داشته باشد یعنی فعل‌ها یا ترک فعل‌ها عموماً به شدت موهن و تحقیرآمیز بوده یا به‌گونه‌ای

دیگر بهشت کراحت انسانی را نقض کند، به سختی می‌توان پذیرفت که مرتكب بر نتایجی که آن

فعل می‌تواند در پی داشته باشد جا هل باشد.»

به نظر شعبه بدوي، جنایت هتک حرمت انسان مستلزم موارد ذیل است:

الف) متهم عامداً مرتكب فعل یا ترک فعلی شده باشد که عموماً موجود تحقیر، تخفیف یا دیگر

حملات شدید علیه کرامت انسانی تلقی شده یا عامداً در ارتکاب آن مشارکت نموده باشد.

1. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Zlatko Aleksovski, IT.95-14/1-T.para.56.

2. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Zlatko Aleksovski, IT.95-14/1-T para56.

3. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Dragoljub Kunarac and Others, IT.96-23/1-T para508.

4. ICTY, Judgment, The Prosecutor v. Dragoljub Kunarac and Others, IT.96-23/1-T para509.

ب) مرتكب عالم باشد که این فعل یا ترک فعل، می‌تواند واجد تبعات مقرر در بند فوق باشد.
به نظر می‌رسد که صرف مغایرت اعمال با قواعد بشردوستانه، مکفی برای ارتکاب جرائم جنگی
می‌باشد و عدم علم مرتكب به ممنوعیت این جرائم موجب تبری وی نمی‌گردد (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۲۸).

نتیجه

آنچه به عنوان نتیجه می‌توان از این تحقیق به دست آورد این است که حقوق اسرای جنگی در
اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون سوم ژنو پیش‌بینی شده و رعایت آن برای کشورها الزام‌آور تلقی
می‌شود. در صورتی که این حقوق نادیده گرفته شده و مورد نقض قرار گیرد جنایت جنگی به‌وقوع
می‌شود. لکن عبارات و کلمات به کار رفته شده در مواد اساسنامه‌های مربوط به جنایات جنگی،
مخصوصاً اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی چندان گویا و روشن نیست. همان‌گونه که ملاحظه شد
هر یک از محاکم در قضایای مختلف در تفسیر اساسنامه عقاید گوناگونی را ابراز داشته‌اند و تبعاً
استتباط آن‌ها از قوانین مربوطه به‌هیچ‌وجه یکسان نیست. تفاوت این دیدگاه‌ها بیشتر در عنصر مادی
و عنصر معنوی خودنمایی می‌کند. اسارت این‌جانب در کشور عراق و مواجه شدن با شرایط سخت
و کمبود امکانات، انگیزه‌ای شد تا در این خصوص حساسیت بیشتری به خرج داده تا روشن نمایم
فقدان برخی از امکانات رفاهی ضروری می‌تواند مصادق بارزی از جنایت جنگی باشد. به عنوان
مثال موضوع همین تحقیق، یعنی فقدان سرویس بهداشتی در آسایشگاه‌های کمپ ۹ که شاید در
نگاه اول فقدان توالت در آسایشگاه را به‌هیچ‌وجه نتوان جنایت جنگی تلقی کرد؛ لکن وقتی که آثار و
عوارض این نقیصه به درستی و به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد معلوم می‌شود که چه عواقب
اهانت‌آمیز و برخلاف کرامت انسانی به‌دبیال دارد. چه اینکه مطابق کنوانسیون سوم ژنو کشور
اسیرگیرنده موظف است محل نگهداری اسیر را در سطح نیروهای نظامی خود فراهم آورد. لکن در
صورت تخلف و عدم انجام این وظیفه که به صورت ترک فعل محقق می‌شود کشور اسیرگیرنده را در
عرض جنایت جنگی قرار می‌دهد. همان‌گونه که روشن شد عدم ساخت سرویس بهداشتی در
آسایشگاه توسط دست اندکاران عراقی و آثار و عواقب آن موجب تحقق جنایت جنگی است. این در
حالی است که مأمورین صلیب سرخ مکرراً از اردوگاه ۹ بازدید کردند و هیچ اقدامی برای رفع این
مشکل انجام ندادند. شاید یکی از دلایل این کار روشن نبودن مفاهیم جنایات جنگی بوده باشد که
لازم است در بازنگری‌های بعدی این ابهامات بر طرف شود.

منابع فارسی

- شریعت‌باقری، محمدجواد (۱۳۸۴)، **حقوق کیفری بین‌المللی**، تهران: نشر جنگل.
- قربانیا، ناصر (۱۳۸۷)، **حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیته ملی حقوق بشر دولتیه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)، **عناصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری**، چاپ اول، انتشارات مجد.
- جوانی، جمشید (بی‌تا)، بررسی جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران
- کریانگ ساک کیتی شیایزری (۱۳۸۳)، **حقوق بین‌المللی کیفری**، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت.

انگلیسی

- Commentary to Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War, published under the general editorship of Jean S. Pictet, Doctor of Law Director for General Affairs of the International Committee of the Red Cross, International Committee of the Red Cross, 1960.
- S. Davidson (1998), **American System of Human Rights**, Clarendon Press, Oxford.

Cases

- Aleksovski (IT-95-14/1-T), judgment 25 june 1999.
- The European Convention of Human Rights.
- Rome statute of International Criminal Court.
- ArzundaGliboa v. Uruguay, Communication No.147/1988, /41/40.
- Chuichi -Tanaka Chuichi and Other Case vol. XIII.
- Conetris v. Uruguay, A/40/40, Parars.9.2-10, pp.201-2.
- ECtHR, Ireland v. UK, Vol.25, p.96;58ILR188at 239.
- ECtHRTThe Greek case, (1972)12 Year Book of the Convention on Human Rights, p. 186.
- ECtHR, East African P. 76; C M D H (77).
- ECtHR, Hurtado v. Switzerland, Judgments and Decisions Vol280-A.P.14.
- ECtHR, Ireland v. UK: Judgment and Decisions, vol.25, p.65;58 ILR 188 at 264
- ECtHR, Judgments and Decisions Vol, 26, pp.16 ff ILR 339 at 354-5.
- ECtHR, the Greek case.
- ECtHR, Vol,26, para 29, p 14;58 ILR 339 at 352.
- Elements of crimes.
- Furunzija (It-95-17/1-t), Judgment, 10 december 1998.
- Geneva Convention III, Relative to the Treatment of Prisoners of War.
- ICTY, Judgment IT.95-14/1-T.
- ICTY, Judgment, IT.96-23 and IT 96-23/1-T.

- ICTY.Prosecutor's Pre-trail, IT.96-23-PT.PP.28ff.
- Kunarak et al (IT-96-23/1-A) Judgment, 12 june 2002.
- Kunarak et al (IT-96-23/1-A) Judgment, 22 february 2001.
- Musema (ICTR- 01/04-01/07), judgment and sentence, 28 january 2000.
- Report of the International Committee of the Red Cross on its activities during the Second World War, Vol. I, p. 263.
- The European Court of Human Rights, Caseof S.F. and Others v. Bulgaria, Judgment, 07/03/2018.